[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

بررسی مقایسه‌ای موضوع و محتوای شعر مشروطهٔ ایران و شعر جدیدیهٔ تاجیکستان

عباسعلی وفایی*

محمداسماعیل شفیع‌پور فومنی**

چکیده

دوران مشروطه از اعصار مهم ایران ازنظر تحول محتوای شعری است؛ چراکه دیگر نه مدیحه‌سرایی و شعر عرفانی، بلکه اشعار اجتماعی‌ـ سیاسی با مضامین متعالی چون آزادی، وطن و... رواج داشت. تشابه عصر جدید تاجیکستان با این عصر، زمینهٔ تعامل شعر مشروطهٔ ایران و شعر نو این کشور را فراهم کرد. پژوهش حاضر، که به‌روش تحلیلی‌ـ تطبیقی انجام شده است، درجهت بیان چگونگی این تعامل با هدف مقایسهٔ تطبیقی موضوع و محتوای شعر مشروطهٔ ایران و شعر جدیدیهٔ تاجیکستان به بررسی وجوه اشتراک فراوان شعر این دو کشور در عصرهای پیش‌گفته پرداخته و درنهایت به سه دسته شاعران «حب وطنی، انقلابی و مرثیه‌سرا» در شاعران این دوره‌ها قائل شده است. ادیب‌الممالک فراهانی و ایرج‌میرزا درمیان شاعران مشروطهٔ ایران و «فطرت» درمیان شاعران جدیدیهٔ تاجیک ازجمله شاعران حب وطنی، و نسیم شمال و مؤمن قناعت ازجمله شاعران مرثیه‌سرا هستند و مابقی ذیل دستهٔ شاعران انقلابی قرار گرفته‌اند. پس از تحلیل محتوایی و تطبیقی اشعار آنها، چنین دریافت شد که ازمیان مضامین پررنگ شعر مشروطهٔ ایران، موضوع «وطن» نخستین و پرکاربردترین محتوای مشترک شعر این دو کشور است که جایگزین موضوع عشق شده است. این موضوع در اکثر اشعار شاعران ایران و تاجیکستان، بیش از بیان حب‌وطن به‌طور مطلق، به ترغیب مخاطبان به قیام علیه ظلم و تشویق به انقلاب سروده شده و در بعضی موارد صرفاً مرثیه است. آزادی، تعلیم و تربیت جدید، ادبیات کارگری و نکوهش جهل و توصیه به علم‌اندوزی مضامین مشترک بعدی هستند؛ ضمن اینکه شواهدی درباب توجه به حقوق بشر، زنان و مسئلهٔ برابری با مردان نیز استخراج شده که در مورد اخیر (نکوهش جهل و توصیه به علم‌اندوزی) می‌گنجد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، شعر مشروطهٔ ایران، شعر جدیدیهٔ تاجیکستان، وطن‌دوستی.

* استاد دانشگاه علامه طباطبایی a_a_vafaie@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی shafipourfoumani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۴

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۵، شمارهٔ ۸۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مقدمه

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که چون بعد از سدهٔ شانزدهم میلادی اختلافات مذهبی میان ایران و فرارود بالاگرفت و مرزها از یکدیگر جدا شدند، کم‌کم ارتباطات سیاسی، اقتصادی و... نیز به سستی گرایید و حیات ایران و تاجیکستان از یکدیگر جدا شد و ادبیات فارسی ایران و ادبیات تاجیک به‌وجود آمد. در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، تحولاتی در جامعهٔ ایران و فرارود رخ داد که به‌طورکلی محتوای ادبیات این دو سرزمین را از گذشتهٔ آنها جدا کرد. تحولات سیاسی در ایران به انقلاب مشروطه تعبیر شد و ادبیات این دوره به ادبیات مشروطه یا ادبیات بیداری موسوم شد و تحولات آسیای میانه نیز ادبیات معارف‌پروری و به‌دنبال آن جدیدیه[1] را به‌وجود آورد.

شعرای دورهٔ بیداری ایران و جدیدیهٔ تاجیک ازجهت مضمون و محتوا راه تازه‌ای در پیش گرفتند ـکه خودـ ازیک‌سو ناشی از تجارب و یافته‌های شاعران و البته زبان مؤثر آن روزگار ـشعرـ بود و ازسوی دیگر پاسخی اصلاح‌گرایانه به نیازهای مردم و جامعه تلقی شد؛ نیازهایی که به اشکال گوناگون با مضامینی متفاوت ظهور یافتند. آنچه در این مقاله، که به‌روش توصیفی‌ـ تطبیقی انجام می‌شود، تحت بررسی قرار می‌گیرد، محتوای شعر مشروطهٔ ایران و مقایسهٔ تطبیقی آن با شعر جدیدیهٔ تاجیکستان است. سؤالات تحقیق از این قرارند: آیا محتوای اشعار شاعران مشروطهٔ ایران و جدیدیهٔ تاجیکستان مشترک است؟ مضامین مشترک کدام‌اند؟ کدام مضمون درمیان دیگر مضامین شاخص است؟ شاعران این دوره چند دسته می‌شوند؟

باتوجه به اینکه اثبات یا رد استقلال حیات فرهنگی این دو کشور، شامل شعر و محتوای آن نیز هست و به قدمت و گستردگی زبان فارسی، ادبیات و شعر کهن فارسی بازمی‌گردد، اهمیت بررسی محتوای شعر ایران و تاجیکستان انکارناپذیر خواهد بود. بنابراین، جهت رسیدن به این مهم، انتخاب گلچینی از اشعار شاعران برجستهٔ معاصر این دو کشور و بررسی تحلیلی و تطبیقی محتوای آنها ضروری به‌نظر می‌رسد. مقالهٔ پیش‌رو محتوای اشعار برگزیده را تحت عنوان‌های «شعرای ایران» و «شعرای تاجیکستان» جداگانه مطالعه می‌کند و برخی ویژگی‌های اصلی موضوع و محتوای آنها را استخراج و مقایسه می‌کند و درنهایت نتیجهٔ تطبیق را ارائه می‌دهد. با توجه به تعداد زیاد شاعران مشروطهٔ ایران و شاعران جدیدیهٔ تاجیک، مطالعهٔ همهٔ آنها برای پژوهشگران دشوار می‌نماید. این مقاله با توجه به دسته‌بندی‌ای که از شاعران این دوره ارائه می‌دهد و استخراج مضامین مشترک آنها، در پژوهش‌های آتی، مسیر مطالعات بعدی را به دستهٔ موردنظر (ایران و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

تاجیکستان) هدایت خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد دسته‌بندی شاعران با توجه به مضامین مشترک کاربردی آنها راهکار مناسبی برای مطالعهٔ آثار ایشان و البته مطالعهٔ تعامل شعر دو کشور با یکدیگر باشد.

در زمینهٔ شعر ایران و تاجیکستان در حوزهٔ ادبیات تطبیقی، به مقالات زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. شریف‌زادهٔ مود (۱۳۹۴) که تأثیر شعر معاصر ایران را بر شعر تاجیکستان بررسی کرده و درجهت نیل به این هدف، شاعران تاجیکی را که از شعر معاصر ایران تأثیر پذیرفته‌اند (به‌خصوص اشعار دارانجات و شاملو) برشمرده است.

۲. ارجمندی (۱۳۹۰) در رسالهٔ دکتری خود به بررسی تطبیقی ادب پایداری در شعر شاعران معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان سال‌های ۱۳۵۷تا ۱۳۸۲ پرداخته است.

۳. اکبری بیرق و اسدیان (۱۳۹۱) در پژوهشی ارزنده به بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا (شاعر تاجیک) پرداخته‌اند.

۴. کرکوتی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی نوآوری در شعر معاصر تاجیکستان و ایران پرداخته است.

۵. مجیب مهرداد و ذبیح‌الـله بهروز (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «زنگوله زنان گذشت باران» به بررسی شعر معاصر تاجیکستان پرداخته است.

۲. تاریخچهٔ شعر عصر بیداری و عصر جدیدیه

سال ۱۹۲۷ میلادی را می‌توان آغاز تحولات جدید در حوزهٔ ادبیات نوین درمیان تاجیکان برشمرد. محور تداوم این تحول را می‌توان شعر «مارش حریت» صدرالدین عینی در سال ۱۹۱۸ دانست. این تحول تا سال ۱۹۳۹ میلادی (سال تشکیل جمهوری مستقل سوسیالیستی تاجیکستان که در سال ۱۹۳۴ درقالب جمهوری خودمختار در ترکیب جمهوری ازبکستان تشـکیل شده بود) ادامه یافت. ادبیات تاجیکی در این دوران، با ورود و حضور شاعران مشهوری چون ابوالقاسم لاهوتی، منظم، حمدی و پیرو سلیمانی، به‌طور اساسی متحول شد (ارجمندی، ۱۳۹۰: ۳).

صدر ضیاء بر این باور است که در زمان او، یعنی از اوایل قرن چهاردهم هجری، که برابر با سال‌های آخرین قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی است، در ادبیات فارسی ماوراءالنهر شعر نو به‌وجود آمده است. معلوم نیست که او ادبیات فارسی تمام ماوراءالنهر را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

در نظر دارد یا نه، ولی در اینکه منظور او حوزهٔ ادبی بخاراست، نمی‌توان شک کرد. اصطلاح شعر نو در تاجیکستان، از حدود سال‌های شصت رواج یافت، از ایران و افغانستان آمد و با خود ویژگی‌های بی‌نظیری در شعر آورد، اما پیدایش اصطلاح شعر نو در ادبیات فارسی تاجیکی، به سال‌های پیش از انقلاب ۱۹۱۷-۱۹۲۰م می‌رسد. شعر نو در ورود با ادبیات معارف‌پروری اعلام حضور کرد و یکی از خصوصیت‌های آن را نشان می‌داد. دگرگونی‌هایی که در آغاز سدهٔ بیستم، به‌مدت پانزده تا سی سال یعنی پیش از انقلاب ۱۹۱۷-۱۹۲۰ در ادبیات تاجیکی روی داد، دگرگونی‌های کلی بودند نه جزئی. درحقیقت، دورهٔ تازهٔ تاریخ ادبیات آن‌گاه شروع شده بود (شکوری، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

اصطلاح شعر نو در ادبیات فارسی‌زبان قرن بیستم، یعنی شعری که مضمون و محتوای نو را در خود گنجاند، در سال‌های قرن بیستم میلادی رواج یافت، اما مرحله‌های گوناگون را وابسته به محیط اجتماعی حوزه‌های فرهنگ ایران، افغانستان و تاجیکستان سپری کرد و اگر در محیط فرهنگ ایران و افغانستان در ده‌سال اول قرن بیستم شایع شد، در ادبیات فارسی تاجیکی دیرتر، یعنی سال‌های ۱۹۶۰م، اعلام حضور کرده است که یقیناً در این بخش، تأثیر شعر نو ایران و افغانستان بر شعر نو در ادبیات تاجیک بسیار کمک‌کننده بوده است (شکوروف، ۱۹۷۰: ۳۵).

۲. ۱. تأثیرپذیری شعر تاجیک از شعر فارسی ایران

شعردوست معتقد است که شعر معاصر تاجیک، هم از شعر کلاسیک فارسی و هم از شعر معاصر ایران متأثر است:

> زبان تغزل شعر تاجیک از غزلیات شمسِ مولانا بسیار تأثیر پذیرفته است. علاوه‌بر مولانا، حافظ و بیدل نیز از متقدمان اثرگذار بر شعر معاصر تاجیکستان به‌شمار می‌روند. شعر معاصر ایران هم در سبک و زبان شاعران تاجیک بی‌تأثیر نبوده است. تأثیر شاعرانی چون ملک‌الشعرای بهار، ابوالقاسم لاهوتی، شهریار، شفیعی‌کدکنی، فریدون مشیری، نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و... در آثار شاعران مختلف تاجیک محسوس و مشهود است (شعردوست، ۱۳۷۶: ۳۳و ۳۴).

۳. محتوای کلی شعر در عصر مشروطه

ادبیات مشروطه شامل بخشی از ادبیات فارسی است که ازیک‌سو در دههٔ سوم سلطنت ناصرالدین‌شاه و ویژگی‌های عمومی آن ریشه دارد و ازسوی دیگر در ادبیات نو متجلی می‌شود که تا سال‌های نزدیک به کودتای سال ۱۲۹۹ ش. و حتی چندسال پس از آن ادامه می‌یابد. این ادبیات تلاش و تکاپوی ملت ایران را برای نیل به حکومت قانون و بریدن از حکومت استبداد بازتاب داده است (ستودیان، ۱۳۸۹: ۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

کلمهٔ آزادی ـ به‌کرّات ـ در شعر کهن فارسی آمده و اشعاری نیز درخصوص آن می‌توان پیدا کرد، ولیکن مفهوم غربی آن که حکومت قانون و نوعی نظم اجتماعی متکی بر برابری است، چیزی بود که درنتیجهٔ آشنایی شاعران و ادیبان ایران با غرب در اندیشه و احساسات آنان رسوب کرد. در این دوره، شعر فارسی در قلمرو محتوا و اهداف شعری از دربار رست و قدم به کوچه و بازار نهاد و مشحون از خون و فریاد و گرمی زندگی و آرمان‌ها شد و کم‌کم مفاهیم کهنه و قدیمی جای خود را به مضامین و مفاهیم تازه‌ای داد که برجسته‌ترین آنها عبارت‌اند از: وطن، آزادی و قانون، فرهنگ نو و تعلیم و تربیت جدید، زنان و مسئلهٔ برابری با مردان، نقادی اصول اخلاقی کهن، مبارزه با خرافات مذهبی (و گاه با خود مذهب).

آزادی و قانون، دارای حد و مرز و پذیرش مشخصی نبود، لیکن ستایش زیادی از ایدهٔ عمومی آزادی و قانون را می‌توان در اشعار این دوره دید. مسئلهٔ برخورد با خرافات مذهبی و یا خود مذهب نیز بیش از یک جنبه داشت و برداشت شاعران از آن گوناگون بود (آژند، ۱۳۶۳).

٤. محتوای کلی شعر در عصر جدیدیهٔ تاجیک

تلاش‌های «احمد مخدوم دانش» در جایگاه رهبر معارف‌پروران درضمن سفرهای او به روسیه تکمیل شد و نطفهٔ اصلی تغییر در ادبیات آسیای میانه از اندیشه‌های روسی متأثر بود. سفرهای دیگر روشنفکران تاجیک به ترکیه، مصر، ایران، کشورهای اروپایی و روسیه در تعیین اهداف و پیش‌برد شعر جدیدیهٔ تاجیک بی‌تأثیر نبودند. بیشترین مفاهیم شعر این دوره عبارت‌اند از: ایجاد مکتب‌خانه‌های جدید، ارزش و اهمیت دانش‌اندوزی و خواندن علوم جدید وطن و وطن‌دوستی، ستیز کهنه و نو و ظلم‌ستیزی (شعردوست، ۱۳۹۱).

۵. مقایسهٔ جنبه‌های متفاوت محتوا در شعر مشروطهٔ ایران و شعر جدیدیهٔ تاجیکستان

شعر مشروطه و شعر جدیدیه شعر محتواست. احساس معین، مبهم یا پیچیدهٔ انسان‌ها درقبال پدیده‌ها، محتوا یا معنا نام دارد. ازنظر شاعران مشروطه و جدیدیهٔ تاجیک، «محتوا» بایست بازتاب نیازهای روحی، روانی و اجتماعی زمان خود باشد. این شاعران دقیقاً می‌خواستند محتوای شعر هم‌دم پادشاهان را بشکنند و محتوا را اجتماعی و مردمی کنند. شعرای این عصر ـدر اصل ـ تغییر و تحول محتوا را مبنای انقلاب ادبی زمان خویش قرار داده بودند و مجال آنها برای پرداختن به ابعاد دیگر شعر بسیار اندک بود. به‌هرحال، در شعر مشروطهٔ ایران و جدیدیهٔ تاجیک معانی و محتوای مشترکی وجود دارد (بیرانوندی، ۱۳۹۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ۱. توصیف وطن

وطن و وطن‌دوستی از موضوعات و مفاهیمی است که دایرهٔ شمول آن همهٔ مردم دنیا را دربرمی‌گیرد و عمر آن بسیار طولانی است و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است استنباط خاصی از آن شده باشد. شعرای بزرگ ایران‌زمین در آثار سترگ خود از مفهوم وطن غافل نبوده‌اند و هریک به‌نوعی وطن را ستوده‌اند. نخستین جلوه‌های وطن در معنای کشور «زادبوم» است که شاید زیباترین معنای وطن در شعر پارسی باشد:

ز بهر بر و بوم و پیوند خویش — زن و کودک خرد و فرزند خویش
همه سر به سر تن به کشتن دهیم — از آن به که کشور به دشمن دهیم
(فردوسی، ۱۳۸۰: ۵۲۶-۵۲۷)

۵. ۱. ۱. شاعران ایرانی

ازجمله شاعران ایرانی دورهٔ مشروطه که مضمون «وطن و وطن‌دوستی» بخشی از محتوای شعر آنها را دربرمی‌گیرد به ملک‌الشعرای بهار، سید اشرف‌الدین نسیم‌شمال، ادیب‌الممالک فراهانی، ایرج‌میرزا، عارف قزوینی، میرزادهٔ عشقی، علامه دهخدا و فرخی یزدی می‌توان اشاره کرد. این موضوع در اشعار دو تن از شاعران پیش‌گفته برای نمونه بررسی می‌شود.

۵. ۱. ۱. ۱. ملک‌الشعرای بهار

ورود استعمارگرانی همانند انگلستان و فرانسه به ایران، ترکیه و سرزمین‌های آسیای میانه و عملکرد بد حاکمان این ممالک باعث شد که وطن بیش از پیش در کانون توجه روشنفکران به‌ویژه شعرا قرار گیرد و بدین‌ترتیب موضوع «وطن‌ستایی» و «ملت‌پرستی» آیین سیاسی مردم شود. یقیناً مفهوم وطن از رساترین فریادهایی است که از بین دیگر صداهای شاعران این روزگار ایران و ماوراءالنهر شنیده می‌شود و به اشکالی ازجمله مادرانگاشتِ وطن و هم‌وطنان را برادر و خواهرخواندن ظاهر می‌شود و غیرت و تعصب وطنی را به‌وجود می‌آورد. «ملک‌الشعرای بهار» ازجمله شعرای این دوره است که حتی در بستر بیماری و سخت‌ترین اوضاع زندگی از ستایش وطن دست برنمی‌دارد. زمانی که برای معالجه و مداوا به اروپا می‌رود در بازگشت می‌گوید:

ای اروپا می‌روم سوی وطن — بعد از این یا جای تو یا جای من
(بهار، ۱۳۳۴: ۱۵)

ملک‌الشعرای بهار وطن‌ستایی و وطن‌سرایی خود را این‌گونه بیان می‌کند:

وطنیاتی با دیدهٔ تر می‌گویم — باوجودی که در آن نیست اثر می‌گویم
تا رسد عمر گرانمایه به سر می‌گویم — بارها گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم
(بهار، ۱۳۹۰: ۱۶۸)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ۱. ۱. ۲. فرخی یزدی

فرخی ازجمله شاعرانی است که در تمام مضمون‌های دورهٔ مشروطه شعر سروده است و اشعار سیاسی و جنجال‌برانگیز او به زندان‌رفتن‌های مکرر او انجامیده است. در سال ۱۳۲۷ به‌خاطر شعری که علیه حاکم یزد سرود لبانش را دوختند و به زندان انداختند. فرخی بعد از مدتی از زندان گریخت، اما سیاسی‌گویی‌های او تمامی نداشت و بارها پس از آن هم به زندان افتاد تا اینکه سرانجام در زندان به‌دست پزشک احمدی کشته شد. در غزلی منسوب به فرخی یزدی مردم این‌گونه به دفاع از وطن دعوت می‌شوند:

خیزید ز بیدادگران داد بگیرید — وز دادستانان جهان یاد بگیرید
تا چند چو صیدید گرفتار دد و دام — از دام برون آمده صیاد بگیرید
(فرخی یزدی، ۱۳۶۹: ۱۲۱)

دادخواهی از ظالمان و سرمشق قراردادن انقلاب‌ها و انقلابیون دنیا ازجمله توصیه‌هایی است که در این غزل دیده می‌شود که همان توصیه به برپایی انقلاب است.

جدول ۱. مضمون اشعار وطنی برخی از شعرای ایران

ردیف	شعرا	مضمون اشعار وطنی		
		انقلابی	حب وطنی	مرثیه
۱	ملک الشعرای بهار	×	□	□
۲	عارف قزوینی	×	□	□
۳	میرزاده عشقی	×	□	□
۴	علامه دهخدا	×	□	□
۵	فرخی یزدی	×	□	□
۶	نسیم شمال	□	□	×
۷	ایرج میرزا	□	×	□
۸	ادیب‌الممالک فراهانی	□	×	□
تعداد کل	۸	۵	۲	۱

۵. ۱. ۲. شعرای تاجیک

ازجمله شاعران تاجیکستان که مضمون «وطن‌دوستی» در اشعار آنها نمود دارد، میرزا محسن عکاس بخارایی، عباسی، ابوالقاسم لاهوتی، عبدالرئوف فطرت، گلرخسار صفی‌آوا، صدرالدین عینی، مؤمن قناعت و لایق شیرعلی را می‌توان نام برد. این موضوع در اشعار دوتن از شاعران ذکرشده برای نمونه بررسی می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ۱. ۲. ۱. مؤمن قناعت

مؤمن قناعت ازجمله شاعران توانای تاجیک است. اشعار او در توصیف وطن درخورتوجه است که اکثرشان همان‌گونه که از عنوان آنها برمی‌آید (خون بهاران، شکست، بگریم، بگذرد و گرداب خون در دل ما و...)، مرثیه‌گونه هستند:

یک مرغ خوش‌پیام در این آشیان نماند — طفل خجسته‌پای در این آستان نماند
جمعی به دشت و خیل عزیزان به رشت رفت — در وادی بهشت بجز پاسبان نماند
دانای وخش هیچ نداند ز حال ما — وخشور در تسلط این خاکدان نماند
آیین راستی که از این خاک رسته است — ما کج خرامیدیم و ره راستان نماند

(قناعت، ۱۳۷۳: ۷۱)

۵. ۱. ۲. ۲. لایق شیرعلی

لایق شیرعلی در سال ۱۹۴۱ میلادی در روستای مزارشریف از توابع شهرستان پنج‌کند تاجیکستان متولد شد و تحصیلات خود را در رشتهٔ آموزگاری دانشگاه شهر دوشنبه در سال ۱۹۶۳ به پایان رساند. او نیز اشعار زیادی در توصیف وطن دارد:

ای کوه بلند قامت کشور من — دل زنده و سر سفید چون مادر من
من می‌گذرم تو جاودان خواهی بود — آید به سرت چه روز بعد از سرمن

(شیرعلی، ۱۳۷۵: ۲۰۹)

شیرعلی در وصف وطن مرثیه هم دارد:

جان به قربان تو ای میهن خونین‌کفنم — بودی بیت‌الشرفم گشته‌ای بیت‌الحزنم
دشمنت چار طرف اجنبی و خانگی‌اند — تن تنها به چه نیرو صف اعدا شکنم؟
گریم از آنکه تو تنهایی و من تنهاتر — وطنم، آ وطنم، آ وطنم، آ وطنم

(شیرعلی، ۱۳۷۵: ۲۱)

جدول۲. مضمون اشعار وطنی برخی از شعرای تاجیک

ردیف	شعرا	مضمون اشعار وطنی		
۱	صدرالدین عینی	انقلابی	حب وطنی	مرثیه
۲	ابوالقاسم لاهوتی	×	□	□
۳	میرزا محسن عکاس	×	□	□
۴	عباسی	×	□	□
۵	گلرخسار صفی آوا	×	□	□
۶	عبدالرئوف فطرت	□	×	□
۷	مؤمن قناعت	□	□	×
۸	لایق شیرعلی	×	×	×
تعداد کل	۸	۷	۲	۲

با مقایسهٔ بخش‌های پایانی دو جدول مربوط به بررسی وطنیه‌های شاعران ایرانی و تاجیک، چنین برداشت می‌شود که هدف وطنیه‌سرایی اغلب شاعران این دوره، چه ایرانی و چه تاجیک، ترغیب به برخاستن علیه ظلم و برپایی انقلاب است.

۵. ۲. توصیف آزادی و قانون

آزادی، به‌طورکلی، مفهومی نسبی است، چه ازلحاظ فردی و چه ازلحاظ اجتماعی، بدین‌معنا که برخی از افراد جوامع و ملت‌ها نیز اگر اوضاع اجتماعی، نوع حکومت و امکانات در اختیارشان با آمال و آرزوهایشان برابر یا نزدیک به‌هم باشد احساس آزادی می‌کنند و درغیراین صورت احساس آزاد نبودن دارند.

آزادی‌خواهی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب مشروطهٔ ایران و مضامین شعرای عصر بیداری ایران است که در شعر برخی از شعرای جدیدیهٔ آسیای مرکزی نسبتاً کم‌رنگ به‌چشم می‌خورد. آزادی موردنظر ما از مفاهیمی است که با داشتن تفکر انقلابی و تحول‌گرا از انقلاب‌کبیر فرانسه و صنعتی انگلستان متأثر بود. «[آزادی] در اینجا تقریباً با مفهوم دموکراسی غربی نزدیک می‌شود... و به این معنی است که مردم علاوه‌بر اینکه ازنظر فردی حقوق و آزادی‌هایی دارند، ازنظر اجتماعی نیز مختارند سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود و سرزمین خود را تعیین کنند» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۲۰).

۵. ۲. ۱. شاعران ایرانی

۵. ۲. ۱. ۱. فرخی یزدی

شاعر لب‌دوخته، فرخی یزدی، کسی که جان خود را فدای آزادی کرد، در یکی از غزل‌های خود بین آزادی و موضوع زندگی رنجبر پیوندی برقرار کرده است و از طرفی واژهٔ آزادی را مفهومی جهانی می‌داند:

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی — که روح‌بخش جهان است نام آزادی
به پیش اهل جهان محترم بود آن کس — که داشت از دل و جان احترام آزادی
چگونه پای گذاری به صرف دعوت شیخ — به مسلکی که ندارد مرام آزادی

(فرخی یزدی، ۱۳۶۹: ۱۸۱)

۵. ۲. ۱. ۲. میرزادهٔ عشقی

عشقی نیز در بسیاری از اشعار خود درخت آزادی را نیازمند آبیاری با خون آزادی‌خواهان می‌داند:

این مملکت انقلاب می‌خواهد و بس — خونریزی بی‌حساب می‌خواهد و بس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

امروز دگر درخت آزادی ما — از خون من و تو آب می‌خواهد و بس
(عشقی، ۱۳۷۳: ۵۴۴)

۵. ۲. ۱. ۳. ملک‌الشعرای بهار

ای آزادی خجسته آزادی! — از وصل تو روی برنگردانم
تا آنکه مرا به نزد خود خوانی — یا آنکه تو را به نزد خود خوانم
(بهار، ۱/۱۳۸۰: ۳۲۷)

۵. ۲. ۲. شاعران تاجیک

۵. ۲. ۲. ۱. لاهوتی

لاهوتی آزادی را نهایت آمال و آرزوهای خود و هر آزادی‌خواه می‌داند و جان‌دادن در راه آن را حیات جاودانه تلقی می‌کند:

غیرتم می‌کشد این گونه که پروانه دهد جان — سوزد و خوش بود الحق که چه مردانه دهد جان
ای خوش آن عاشق صادق که به میدان محبت — غرق خون گردد و در دامن جانانه دهد جان
درگه دوست بود خانهٔ آزادی و امید — زنده آن است که در خدمت این خانه دهد جان
(لاهوتی، ۱۳۴۶: ۹۲)

۵. ۲. ۲. ۲. صدرالدین عینی

اگرچه می‌شود از بیشتر شعرهایی که مبنای ادبیات کارگری داشتند استنباط آزادی داشت، به‌نظر می‌رسد در شعر تاجیک مفهوم آزادی در معنای تغییر حکومت امیران و تشکیل حکومت دموکراسی کم وجود داشته باشد. عینی سال ۱۹۱۸، به پیشواز یکمین سالگرد انقلاب اکتبر، شعری با عنوان «مارش حریت» یا «سرود آزادی» گفت که آن را ترجمهٔ سرود ملی فرانسه و جزء اولین تلاش‌های شعرای فارسی‌زبان درجهت قالب‌شکنی می‌دانند. این تنها شعری است که می‌شود آزادی به‌معنای امروزی را در آن جست‌وجو کرد (عینی، ۱۹۸۷: ۸۸):

ای ستمدیدگان! ای اسیران وقت آزادی ما رسید — مژدگانی دهید ای فقیران در جهان صبح شادی دمید
انتقام، انتقام! ای رفیقان ای جفادیدگان، ای شفیقان — بعد از این در جهان حکمران باد حریت، عدالت، رفاقت
(عینی، ۱۹۸۷: ۲۹۶)

۵. ۲. ۲. ۳. میرزا تورسون‌زاده

تورسون‌زاده اتحاد را مایهٔ آزادی می‌داند:

بلکه این افغان آزادی‌پرست — مثل دل در سینه‌های ما نشست
بلکه او می‌گفت مایان دوستیم — مثل دو مغزی که در یک پوستیم
با شما همسایهٔ دیرینه‌ایم — دوستان بی‌غرض، بی‌کینه‌ایم
از میان خاک‌های ما عبور — می‌کند آمو به مثل خطّ نور
(تورسون‌زاده، ۱۹۹۰: ۲۸۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

آزادی	
شاعران ایران مشروطه	شاعران جدیدیهٔ تاجیکستان
فرخی یزدی	ابوالقاسم لاهوتی
میرزادهٔ عشقی	صدرالدین عینی
ملک‌الشعرای بهار	میرزا تورسون‌زاده
علامه دهخدا	
توضیح: به‌نظر می‌رسد بسامد شاعران آزادی‌سرای هر دو کشور در برهه‌های پیش‌گفته، همچون وطنیه‌سرایی برای انقلاب، نسبتاً برابر باشد.	

۵. ۳. شعر اجتماعی

۵. ۳. ۱. ادبیات کارگری و دهقانی

شاعران ایران و آسیای مرکزی، که از دربار بریده بودند و درمیان مردم و با مردم زندگی می‌کردند، شیوهٔ واقع‌نویسی را که از قبل آغاز شده بود شدت بخشیدند و ازآنجاکه ادبیات کارگری و دهقانی دنیا زاییدهٔ ادبیات رئالیستی است، ادبیات کارگری ایران و آسیای مرکزی نیز به‌تأسی از ادبیات کارگری کشورهای اروپایی و به‌ویژه مجاورت با انقلاب کارگری روسیه (اکتبر ۱۹۱۷م./۱۲۹۷ش.) تحت‌تأثیر اندیشه‌های کارگری حاکم بر ادبیات بلشویکی با تأکید بر تضاد میان دو قشر مرفه و مستضعف جامعه به طرفداری از محرومان جامعه پرداخت. برخی از روزنامه‌ها و مجلات نیز به‌منزلهٔ ارگان ثبت تحولات جامعه بخشی از فعالیت‌های خود را به ادبیات کارگری اختصاص داده بودند.

۵. ۳. ۱. ۱. شاعران ایرانی

ادبیات کارگری به‌معنی سیاسی‌ـ اجتماعی‌اش موضوع خاص ادبیات زمان بیداری و تجدد بوده است؛ به‌ویژه که خالق آن شخصیتی همسان یا نماد افراد واقعی و عادی جامعه بوده است. ازجملهٔ این شاعران می‌توان به نسیم‌شمال، ایرج‌میرزا، میرزادهٔ عشقی و فرخی یزدی اشاره کرد. این موضوع در اشعار دو تن از شاعران پیش‌گفته برای نمونه بررسی می‌شود.

۵. ۳. ۱. ۱. ۱. نسیم شمال

سید اشرف‌الدین نسیم شمال با همان روحیهٔ انقلابی در شعری با عنوان «گفت‌وگوی ارباب با فعلهٔ رنجبر» از زبان ارباب فعله را هدف طعنه و سرزنش قرار می‌دهد:

ای فعله تو هم داخل آدم شدی امروز　　بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز

هرگز نکند فعله به ارباب مساوات　　هرگز نشود صاحب املاک دموکرات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

بی‌پول تقلا مزن ای بوالهوس لات زیرا که تو در فقر مسلم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۸۳)

۵. ۳. ۱. ۱. ۲. ایرج‌میرزا

ایرج‌میرزا نیز سروده‌ای دارد با نام «کارگر با کارفرما» که برخلاف شعر نسیم شمال این‌بار کارگر از کارفرما می‌پرسد:

شنیدم کارفرمایی نظر کرد ز روی کبر و نخوت کارگر را
بگفت ای گنج‌ور این نخوت از چیست چو مزد رنج بخشی رنجبر را
تو از من زور خواهی من ز تو زر چه منت داشت باید یکدگر را
تو صرف من نمایی بدرهٔ سیم منت تاب روان، نور بصر را

(ایرج‌میرزا، ۱۳۵۶: ۶۷)

۵. ۳. ۱. ۲. شاعران تاجیک

شعرهای کارگری ایران و آسیای مرکزی تقریباً دو هدف را دنبال می‌کنند: گروهی تلاش می‌کنند رنجبران جامعه را با حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود آشنا کنند و آنان را به خودباوری برسانند و گروهی دیگر خودباوری را کافی نمی‌دانند، بلکه موفقیت این صنف را در گرو مبارزه و ایستادگی می‌دانند. ازجملهٔ این شاعران ابوالقاسم لاهوتی، صدرالدین عینی و کاشانی را می‌توان نام برد. این موضوع در اشعار دوتن از شاعران پیش‌گفته بررسی می‌شود.

۵. ۳. ۱. ۲. ۱. صدرالدین عینی

عینی علاوه‌بر شعر «مارش حریت» در مستزادی دیگر که به شرف انقلاب اکتبر سروده است، در چندین‌جا انقلاب را حامی محنت‌کشان معرفی می‌کند:

آنها که به بالای رعایای ستم‌کش بودند چو آتش...
محنت‌کش بیچاره پس از دیدن صد جبر ای وقعهٔ اکتبر
از مقدم تو یافت ز اندوه رهایی تو مرغ همایی

(عینی، ۱۹۸۷: ۲۹۳)

عینی نیز ازجمله شاعرانی است که از سال ۱۹۸۶ به سرودن شعرهای اجتماعی- سیاسی پرداخت. این عمل او و کارهای خیری که می‌کرد، ازجمله خلق «تهذیب‌الصبیان»، زمینهٔ خشم امیر را فراهم آورد و سرانجام به دستور او به زندان افتاد.

۵. ۳. ۱. ۲. ۲. کاشانی

کاشانی، از دیگر شعرای تاجیک، در غزلی با ردیف «کم‌بغل» (= فقیر) به حمایت از رنجبران جامعه می‌پردازد.

ای به زیر چرخ استبداد بایان کم‌بغل عنکبوت‌آسا دو دست‌وپای پیچان کم‌بغل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

عیش و نوش و خواب راحت شد نصیب بای ولیک — رنج و محنت درد و غم بهرت فراوان کم‌بغل
کاشتی گندم برای ملک‌دار اندر بهار — در سر خرمن تویی از بی‌نصیبان کم‌بغل
(عینی، ۱۹۸۷: ۳۱۰)

باتوجه به بافت زندگی مردم ایران و آسیای مرکزی در ابتدای قرن بیستم و کمبود کارخانه‌ها و شرکت‌های صنعتی، شعر کارگری این مالک ـ در ابتدا ـ رویکردی دهقانی دارد و نزدیک‌ترین حاکم و ظالم نسبت به دهقان (بای= خان) است که در همین شعر انعکاس پیدا کرده است.

ادبیات کارگری	
شاعران ایران مشروطه	شاعران جدیدیهٔ تاجیکستان
پروین اعتصامی	ابوالقاسم لاهوتی
نسیم شمال	صدرالدین عینی
ایرج میرزا	کاشانی
میرزادهٔ عشقی	منظم بخارایی
فرخی یزدی	
توضیح: باتوجه به روح انقلابی و آزادی‌خواهی موجود در اشعار شاعران هر دو دسته، ادبیات کارگری و دفاع از حق زحمت‌کشان، اجتناب‌ناپذیر است که در هر دو کشور تقریباً به یک بسامد یافت شده است.	

۵. ۳. ۲. مبارزه با استبداد و ظلم

۵. ۳. ۲. ۱. شاعران ایرانی

۵. ۳. ۲. ۱. ۱. پروین اعتصامی

پروین اعتصامی از اولین طرفداران حقوق زنان در ایران و یکی از اعضای بنیان‌گذار مرکز بانوان است. روحیهٔ انقلابی و مبارزه‌طلبی او از رد تقاضای رضاخان مبنی بر تعلیم زبان و ادبیات به ملکه آشکار است (ندیمی، ۱۳۶۹: ۱۶).

پروین اعتصامی روح محافظه‌کارانهٔ زنان را رها کرده و تندتر از شعرای مرد، رنجبران را به تأمل در حقوق پایمال‌شدهٔ خود دعوت می‌کند و انجام قیام علیه ظالمان را راه رهایی آنان معرفی می‌کند:

تا به کی جان‌کندن اندر آفتاب ای رنجبر — ریختن ازبهر نان از چهر آب ای رنجبر
از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی — چند می‌ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر
حاکم شرعی که بهر رشوه فتوا می‌دهد — کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر
جمله آنان را که چون زالو مکندت خون بریز — اندر آن خون دست و پایی کن خضاب ای رنجبر
(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۸۹)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ۳. ۲. ۱. ۲. عارف قزوینی

عارف در انتقال پیام وطن‌دوستی خود با نگاهی مشترک با عبدالرئوف فطرت، از باد سحر استمداد می‌طلبد:

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد — خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش — بنمایید که هر کس نکند مثل من است
(قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

شاعر در بیت آخر به‌صراحت مردم را به انقلاب و رسیدن به آزادی دعوت می‌کند، همان‌گونه‌که در ابیات بعد نیز به وحدت علیه ظلم می‌خواند.

۵. ۳. ۲. ۲. شاعران تاجیک

ازجمله شاعران تاجیک که مضامین مبارزه با استبداد و ظلم در اشعار آنها نمود پیدا کرده است می‌توان به منظم بخارایی، احمدجان مخدوم حمدی، ابوسعید زاده بخارایی، صدرالدین عینی و لایق شیرعلی اشاره کرد که این موضوع در اشعار دوتن از شاعران پیش‌گفته بررسی می‌شود.

۵. ۳. ۲. ۲. ۱. منظم بخارایی

منظم همهٔ اقشار جامعه ازجمله دهقانان را به قیام علیه ظالمان دعوت می‌کند که این دعوت او می‌تواند طبقاتی باشد و به‌عبارتی طبقهٔ مظلوم را برضد طبقهٔ ظالم می‌شوراند:

ظالمان در دهر می‌رانند دوران تا به کی — می‌شود در کام آنها چرخ، گردان تا به کی
قاضی و میر امیر و بای، و ملا نابحق — حکمران باشند بر ما ناتوانان تا به کی
ظلم ظالم را بباید برکنید از بیخ و بن — این‌همه در کنج زندان، کندن جان تا به کی
(عینی، ۱۹۸۷: ۲۹۹)

۵. ۳. ۲. ۲. ۲. لایق شیرعلی

شیرعلی در ابیات ذیل مردم را به‌دلیل سکوت درمقابل ظلم نکوهش می‌کند و آنها را به مبارزه علیه آن فرامی‌خواند:

گنه ماست حالیا این خاک — مدفن مردگان بی‌کفن است
گردن‌افراز مردمی بودیم — گردنامان به حلقهٔ رسن است
تاجیکا، اصل خویش را دریاب — ورنه فردات بی‌نشان‌شدن است
(شیرعلی، ۱۳۷۵: ۴۵)

درجای دیگر فقدان وحدت و یک‌پارچگی را علت بدبختی مردمش می‌داند و آنها را به اتحاد علیه دشمن و بیداد دعوت می‌کند:

ملت ما ملت یک‌لخت نیست — زین سبب خوش‌دولت و خوش‌بخت نیست
تا غمان خویش را غمخواره نیست — ملت ما ملت یک‌پاره نیست
(همان، ۳۶۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

مبارزه با ظلم و استبداد	
شاعران ایرانی	شاعران تاجیک
پروین اعتصامی	منظم بخارایی
عارف قزوینی	احمدجان مخدوم
	صدرالدین عینی
	لایق شیرعلی
توضیح: گرچه در این جدول به‌نظر می‌رسد که بسامد شاعران ایرانی در مبارزه با استبداد کمتر باشد، واضح است که اکثر شعرای دورهٔ مشروطه با محتوای ظلم‌ستیزی شعر می‌سروده‌اند و دراین‌زمینه باید گفت که بسامد شاعران هر دو کشور برابر است.	

۵. ۳. ۳. پایداری و مقاومت

۵. ۳. ۳. ۱. شاعران ایرانی

۵. ۳. ۳. ۱. ۱. عارف قزوینی

عارف در بیشتر تصانیف و سروده‌های خود میان مفهوم قدیم و جدید شعر پیوند برقرار کرده است. خزیدن بلبل در سایهٔ گل و جامه‌چاکی گل از اصطلاحاتی است که در شعر سنتی به‌وفور مشاهده می‌شود. گریز از مضامین سنتی به مضامین و مفهوم جدید از شگردهای خاص عارف است، همان‌گونه که در این ابیات با مضمون مقاومت و پایداری دیده می‌شود:

غیرت کن و اندیشهٔ ایام بتر کن — اندر جلو تیر عدو سینه سپر کن
از دست عدو نالهٔ من از سر درد است — اندیشه هر آن‌کس کند از مرگ نه مرد است
جانبازی عشاق نه چون بازی نرد است — مردی اگرت هست کنون وقت نبرد است

(قزوینی، ۱۳۸۷: ۳۱۶)

۵. ۳. ۳. ۱. ۲. میرزادهٔ عشقی

میرزادهٔ عشقی در شبه‌تضمینی به یکی از شعرهای حافظ، غزل را با تأکید بر عشق به وطن، به حماسه تبدیل کرده است:

خاکم به سر، ز غصه به سر، خاک اگر کنم — خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟
آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم — برداشتند، فکر کلاهی دگر کنم
من آن نیم که یکسره تدبیر مملکت — تسلیم هرزه‌گرد قضا و قدر کنم

(عشقی، ۱۳۷۳: ۶۷)

۵. ۳. ۳. ۲. شاعران تاجیک

۵. ۳. ۳. ۲. ۱. ابوالقاسم لاهوتی

لاهوتی در ابیات ذیل مردم را به مقاومت از جان و دل برای حفظ وطن فرامی‌خواند:

من این را خوب می‌دانم نگارا تو ز من بهتر — که پیش مرد مرگ و زندگانی در وطن بهتر
گل ار خندان شود، البته در صحن چمن بهتر — به حفظ مملکت قربان نمودن جان و تن بهتر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

اگر پرسند از من چیست از جان و بدن بهتر وطن بهتر، وطن بهتر، وطن بهتر، وطن بهتر
(صدرضیاء، ۱۳۸۰: ۲۰۱)

۵. ۳. ۳. ۲. ۲. لایق شیرعلی

محتوای ابیات ذیل به‌خوبی مبینِ این نکته است که شاعر با بشارت و مژدهٔ آیندهٔ روشن، وطن و ملت خود را به مقاومت و پایداری تشویق می‌کند. او می‌گوید خبر دارم از شهیدان بسیار که دادی و سختی‌هایی که متحمل شدی، اما طاقت بیاور که روزهای روشن درپی است:

کشتهٔ بسیار دادی باز روحت زنده است پایه در این خاک داری دولتت پاینده است
گرچه از دامان کوهت رود خون جاری شده قلهٔ کوهت نشان قلهٔ آینده است
تا تو را بی‌تاب دیدم، تاب خوردم روز و شب شکر باری، از پی شب صبح تو تابنده است
(شیرعلی، ۱۳۷۵: ۳۴۶)

۵. ٤. جایگاه تعلیم و تربیت و علم‌آموزی

آنچه در این پژوهش درکانون توجه است علم‌اندوزی درقالب مدرسه‌ها و مکاتب و محتوای جدید است؛ بنابراین، منظور از علم و علم‌اندوزی در این تحقیق آموزش با رویکرد جدید است که با توصیف علم و دانش در ادب گذشتهٔ ما تفاوت‌های بسیاری دارد.

نیاز به تعلیم و تربیت جدید در آسیای مرکزی تقریباً از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم تحت‌تأثیر پیشرفت‌های علمی و فنی روسیه، از زمان احمد دانش و گروه دیگر معارف‌پروران خود را نشان داد که با مخالفت ملاها و امیران روبه‌رو شد. انتشار روزنامه‌ها و کتاب‌هایی مثل *سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیک* زین‌العابدین مراغه‌ای روزبه‌روز طرفداران اصلاح ساختار نظام آموزشی را بیشتر می‌کرد. راه‌اندازی مدارس و مکاتب جدید، تعلیم و تربیت جدید و آموزش علوم مختلف جزء اولین مطالبات روشنفکران است (*آیینه*، ۱۹۱۳: ۲۸).

به‌هرحال، تقریباً از سال‌های پایانی قرن نوزدهم تا سال‌های آغازین قرن بیستم، تلاش‌های فراوانی برای بازگشایی مدارس جدید در آسیای مرکزی صورت گرفت، اما موفقیتی حاصل نشد، تا سرانجام در سال ۱۳۲۶ هجری در شهر بخارا، عینی، منظم، حامد خواجه و احمدجان مخدوم نخستین مدرسهٔ اصول جدید را به زبان فارسی در خانهٔ منظم راه‌اندازی کردند. جهل و نادانی ازجمله مشکلاتی است که به‌عقیدهٔ اکثر شعرای عصر مشروطهٔ ایران و بیداری تاجیک، مهم‌ترین دلیل خواری ملت و وطن است (عینی، ۱۹۸۷: ۳۳).

۵. ٤. ۱. شاعران ایرانی

ازجمله شاعران ایرانی که مضامین مربوط به تعلیم و تربیت در اشعار آنها نمود پیدا کرده است می‌توان به عارف قزوینی، نسیم‌شمال، فرخی یزدی، ادیب‌الممالک فراهانی و ملک‌الشعرای بهار اشاره کرد که این موضوع در اشعار دوتن از شاعران برای نمونه بررسی می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ٤. ۱. ۱. نسیم‌شمال

شاعران مشروطه و جدیدیه در اشعار خود به تعریف علم، علم سودمند و... پرداخته‌اند. نسیم شمال در قصیده‌ای باعنوان «تعریف علم» ضرورت کسب آن را این‌گونه بیان می‌کند:

منم که پرورش از علم یافته جانم — ز معرفت شده محکم چهار ارکانم
فقیر علمم و محتاج بخشش علمم — مریض علمم و جز علم نیست درمانم
ز بحر و قلزم علم و هنر چو گشتم دور — از آن به خاک چو ماهی فتاده بریانم

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۲۴۷)

۵. ٤. ۱. ۲. فرخی یزدی

فرخی یزدی در چکامهٔ وطنی خود هدف از علم‌آموزی را این‌گونه بیان می‌کند:

تا نشود جهل ما به علم مبدل — پیش ملل بندگی ماست مسجل
تودهٔ ما فاقد حقوق سیاسی است — تا نشود جهل ما به علم مبدل

(فرخی یزدی، ۱۳۶۹: ۲۰۱)

۵. ٤. ۲. شاعران تاجیک

ازبین این شاعران به لاهوتی، صدرالدین عینی، تاش خواجه اسیری خجندی، عجزی سمرقندی، منظم بخارایی و مؤمن قناعت می‌توان اشاره کرد که برای نمونه دو شاعر بررسی می‌شود.

۵. ٤. ۲. ۳. تاش خواجه اسیری خجندی

تاش خواجه اسیری خجندی در قصیده‌ای به‌مناسبت نزاع جدید و قدیم، نیاز به شیوه‌ای جدید در تعلیم و تربیت را به‌تصویر کشیده است.

زهی طریق مقدس ره اصول جدید — پی وصول مقاصد چو سعی راه، حدید
گزیده رسم مبارک، نکوترین دستور — ستوده قاعدهٔ اقدس و نظام حمید
ز حسن تربیتش در تمام یک دو ماه — ذکا و حدس فزایند به کودکان بلید
مگو جدید و مکن احتراز از درسش — که داستان قدیم است در لباس جدید

(عینی، ۱۹۸۷: ۲۸۷)

۵. ٤. ۲. ۲. مؤمن قناعت

مؤمن قناعت شاعر ممتاز تاجیک است. ایشان سال ۱۳۱۴ در ناحیهٔ «دروازه» تاجیکستان به‌دنیا آمد. سال ۱۳۳۰ دبیرستان را و در سال ۱۳۳۵ دانشگاه را در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی تاجیکی به‌پایان برد. پس از انجام تحصیل، در دفتر ماهنامهٔ *صدای شرق* به‌کار پرداخت. سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ نمایندهٔ مردمی تاجیکستان در پارلمان اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. داستان «گهوارهٔ سینا» از ایشان از توجه او به ارزش علم نشان دارد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

بگفتا خوش رسیدی نور دیده — چنین فال نکو را کس ندیده
که فضل عالمی آید به پایش — که عالم درد و آن باشد دوایش
به جان و دل بکوشم در معاشت — تو و علم و فن و بحث و تلاشت

(قناعت، ۱۳۷۳: ۲۶۱- ۲۶۲)

جایگاه تعلیم و تربیت و علم‌آموزی	
شاعران ایران مشروطه	شاعران جدیدیهٔ تاجیکستان
عارف قزوینی	ابوالقاسم لاهوتی
نسیم‌شمال	صدرالدین عینی
فرخی یزدی	تاش‌خواجه اسیرخجندی
ادیب‌الممالک فراهانی	عجزی سمرقندی
ملک‌الشعرای بهار	منظم بخارایی
	مؤمن قناعت
توضیح: نیاز به توضیح نیست که در این مورد نیز بسامد شاعران دو دوره برابر است.	

۵. ۵. جایگاه زنان و نقش‌های مختلف آنان

زنان قبل از دورهٔ مشروطه از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دور بودند و نظام مردسالاری آنان را از بیشتر حقوق اولیهٔ خود محروم کرده بود. خانواده‌های قاجار جنبهٔ مردسالاری داشت. زن هم در خانواده و هم در اجتماع در موقعیتی پایین‌تر از مرد قرار داشت. زنان از مدت‌ها پیش در ایران در هیچ امر اجتماعی و سیاسی مشارکت نداشتند و به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستند از علوم معمول در جامعه استفاده کنند و اگرچه پاره‌ای از زنان به خواندن و نوشتن می‌پرداختند، تعدادشان بسیار اندک بود.

> ... از هنگامی که مدارس به سبک جدید به راه افتاد، اندیشه‌ای تازه هم مطرح شد مبنی بر اینکه می‌باید راه را برای زنان و دختران نیز درجهت کسب علم باز کرد. در دورهٔ مشروطه با آشنایی متفکران از اندیشه‌ها و مفاهیم جدید و دیدن پیشرفت‌های غربیان و آزادی، زنان از قیدوبندهای اجتماعی رها شدند تا مثل مردان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت جویند. مسائل زنان در شعر دورهٔ مشروطه در دورهٔ بعد اساسی مطرح می‌شود: حجاب و تأکید بر تعلیم و تربیت. شاعرانی چون عشقی و ایرج‌میرزا مسئلهٔ حجاب را بسیار برجسته کرده‌اند. در باور این‌دو، حجاب عامل بدبختی و عقب‌ماندگی زنان ایران است. بدین‌جهت آنان خواستار رهایی و آزادی زن از دست حجاب‌اند (محمدی، ۱۳۸۹: ۴۱۴).

۵. ۵. ۱. شاعران ایرانی

ازجمله شاعران ایرانی که موضوع زن و جایگاه او در اشعارشان نمود پیداکرده است می‌توان به شاهین، ایرج‌میرزا، نسیم‌شمال، پروین اعتصامی، ملک‌الشعرای بهار و میرزادهٔ عشقی اشاره کرد.

۵. ۵. ۱. ۱. ایرج‌میرزا

بیت ذیل نشان‌دهندهٔ اعتقاد ایرج‌میرزا به کشف حجاب است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

نقاب دارد و دل را به جلوه آب کند نعوذ بالله اگر جلوه بی‌نقاب کند

(ایرج‌میرزا، ۱۳۸۰: ۱۳)

۵. ۵. ۱. ۲. نسیم شمال

نسیم شمال نیز برای علاج جهل و نادانی به دختران ایران توصیه می‌کند درس بخوانند و علم بیاموزند:

چون دختر بی‌علم به نزد همه خوار است ای دختر من درس بخوان فصل بهار است
اسباب شرافت به دو عالم بود از علم فخریهٔ اطفال دمادم بود از علم
پس فرق میان خر و آدم بود از علم علم است که از وی شتر عقل مهار است
ای دختر من درس بخوان فصل بهار است

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۱۱۹)

۵. ۵. ۲. شاعران تاجیک

ازجملهٔ این شاعران می‌توان به منظم بخارایی، میرزا تورسون‌زاده و ابوالقاسم لاهوتی اشاره کرد.

۵. ۵. ۲. ۱. ابوالقاسم لاهوتی

لاهوتی نیز چون ایرج‌میرزا و عشقی حجاب را مخالف پیشرفت زنان می‌داند و توصیه می‌کند زنان حجاب را کنار بگذارند و به علم‌آموزی بپردازند:

ای دختر نامدار ایران از روی خود این حجاب بردار
چون دخترکان ازبکستان چادر بنه و کتاب بردار!
تا چند به دست مرد غدار پامال و اسیر و بنده هستی؟
نهضت کن و این نقاب بردار ثابت بنما که زنده هستی

(لاهوتی، ۱۳۵۷: ۶۴۹- ۶۵۰)

جایگاه زنان و نقش‌های مختلف آنان	
شاعران ایران مشروطه	شاعران جدیدیهٔ تاجیکستان
شاهین	میرزا تورسون‌زاده
ایرج‌میرزا	ابوالقاسم لاهوتی
ملک‌الشعرای بهار	منظم بخارایی
نسیم‌شمال	
پروین اعتصامی	
میرزادهٔ عشقی	
توضیح: گویا توجه به جایگاه زنان و نقش‌های مختلف آنان، عامل مهمی در موفقیت انقلاب مشروطهٔ ایران بوده که در الگوپذیری شاعران جدیدیهٔ تاجیکستان از ایران، نیز موردتوجه قرار گرفته است؛ چراکه بسامد نسبتاً درخورتوجهی به دست آمده است.	

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

۵. ۶. مبارزه با خرافات مذهبی

یکی از موضوعاتی که به‌دنبال توجه به ملت در شعر این دوره رواج یافت، انتقاد از جهل، خرافات و سنت‌های غلط رایج در بین مردم بود. شاعران مشروطه بر این باور بودند که رواج جهل و خرافات به‌اضافهٔ کم‌سوادی مردم ایران از اصلی‌ترین علت‌های عقب‌ماندگی ایرانیان از جامعهٔ جهانی است، آنان هریک به‌نحوی سعی کردند که این اندیشه را در اشعارشان منعکس کنند.

۵. ۶. ۱. شاعران ایرانی

ازمیان شاعران عصر مشروطه که اشعاری در این مضمون سروده‌اند می‌توان به نسیم شمال، ایرج‌میرزا و فرخی‌یزدی اشاره کرد که برای نمونه به بررسی یک مورد می‌پردازیم.

۵. ۶. ۱. ۱. نسیم‌شمال

بهترین مثال برای مبارزه با خرافات مذهبی، سیداشرف‌الدین گیلانی متخلص به نسیم شمال است؛ چراکه باوجود تحصیل در نجف و داشتن اعتقادات مذهبی، ازجمله شاعرانی است که خرافات مذهبی مردم را محکوم می‌کند و آن را ازجمله معضلاتی می‌داند که جامعه را به سکوت دربرابر ظلم واداشته است. نسیم‌شمال اعتقاد به تقدیر و قضا و قدر را فقط توجیهی برای سکوت مردم ترسو می‌داند و معتقد است که به‌جای حوالهٔ خود به تقدیر، باید اعتقاد خرافی مذهبی را کنار نهاد و سرنوشت خود را خود رقم زد؛ بنابراین، با این ابیات عشقی هم‌نوا می‌شود:

من آن نی‌ام که یکسره تدبیر مملکت — تسلیم هرزه‌گرد قضا و قدر کنم
زیر و زبر اگر نکنی خاک خصم ما — ای چرخ زیر و روی تو زیر و زبر کنم
(ابومحبوب، ۱۳۸۶: ۸۹)

باتوجه به اینکه نمونه‌ای برای این مورد از شاعران تاجیک یافت نشد، جدولی دراین‌زمینه تدوین نشد.

۸. نتیجه‌گیری

در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، تحولاتی در جامعهٔ ایران و فرارود صورت گرفت که به‌طورکلی محتوای ادبیات یگانهٔ این دو سرزمین هم‌زاد را از ادبیات گذشتهٔ آنها جدا کرد. تحول‌های سیاسی در ایران به انقلاب مشروطیت تعبیر شد و ادبیات این دوره نیز ادبیات بیداری نام گرفت؛ چنان‌که تحولات سیاسی در آسیای میانه نیز ادبیات معارف‌پروری و متعاقباً جدیدیه را به‌وجود آورد. شعرای دورهٔ بیداری ایران و جدیدیهٔ تاجیک با توجه به یافته‌ها و تجربیات خود، در رویکردی اصلاح‌گرایانه، ازجهت مضمون و محتوا راه تازه‌ای درپیش‌گرفتند و در عرصهٔ ادبیات دو کشور، تلاش و تکاپوی دو ملت را درجهت نیل به حکومت قانون و انزجار از استبداد و ظلم نشان دادند. شعر مشروطه و شعر جدیدیه را شعر محتوا می‌دانند.

شاعران می‌خواستند محتوای شعر هم‌دم پادشاهان را بشکنند و آن را اجتماعی ـ مردمی کنند؛ بنابراین، تغییر و تحول «محتوای شعری» را مبنای انقلاب ادبی زمان خود قرار دادند.

ازسوی دیگر، در اثر هجوم کشورهای استعمارگر به ایران، ترکیه و سرزمین‌های آسیای میانه و عملکرد بد حاکمان این ممالک، موضوع «وطن‌ستایی» درکانون توجه ویژهٔ روشنفکران و به‌ویژه شعرای دو کشور قرار گرفت. کلمهٔ آزادی به مفهوم غربی آن، که حکومت قانون و نوعی نظم اجتماعی متکی بر برابری است، درنتیجهٔ آشنایی شاعران و ادیبان ایران و تاجیک با غرب چشمگیر شد و در اثر ورود شعر به عرصهٔ اجتماعی مفاهیم تازه و جدید مطرح شد. بررسی محتوایی اشعار این دوره و مضامین آنها هدف اصلی این مطالعه بود که ازجملهٔ آنها توصیف وطن، توصیف آزادی و قانون، شعر اجتماعی ازجمله ادبیات کارگری و دهقانی، مبارزه با استبداد و ظلم و مقاومت و پایداری و نیز اشعاری با مضامین جایگاه تعلیم و تربیت و علم‌آموزی، جایگاه زنان و نقش‌های مختلف آنان و مبارزه با خرافات مذهبی پوشش داده شده است، اما از میان مضامین مزبور، «وطن و وطن‌دوستی»، که محور اصلی این مقاله است، نقش پررنگ‌تری دارد که به وطنیه‌سرایی شاعران مشروطهٔ ایران و جدیدیهٔ تاجیکستان انجامیده است. با بررسی اشعار شاعران نام‌برده و ارائهٔ جداولی برای واضح‌ترشدن موضوع، شاعران وطنیه‌سرای ایران و تاجیکستان در سه دستهٔ «انقلابی»، «حب وطنی» و «مرثیه‌سرا» قرار گرفتند که دراین‌میان نیز بسامد وطنیه‌سراهای انقلابی بسیار بیشتر از دو دستهٔ دیگر بود و از مشهورترین آنها ملک‌الشعرای بهار، علامه دهخدا، فرخی یزدی، نسیم شمال، ادیب‌الممالک فراهانی، ایرج‌میرزا، عارف قزوینی و میرزادهٔ عشقی از ایران دوران مشروطه و صدرالدین عینی، ابوالقاسم لاهوتی، عکاس بخارایی، عباسی، عبدالرئوف فطرت، مؤمن قناعت، لایق شیرعلی و گلرخسار صفی‌آوا از عصر بیداری تاجیکستان درخور ذکرند.

پی‌نوشت

۱. شاعران در این اعصار پس از به‌چالش‌کشیدن آثار کلاسیک و سنتی، ادبیاتی نو و هماهنگ با ارکان دیگر جامعه را جایگزین کردند که در ایران به شعر بیداری (مشروطه)، در افغانستان به شعر مشروطیت و در تاجیکستان به جدیدیه معروف شد (بیرانوندی، ۱۳۹۳: ۳۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

منابع

آژند، یعقوب (۱۳۶۳) *ادبیات نوین ایران*. تهران: امیرکبیر.

ابومحبوب، احمد (۱۳۸۶) «ادبیات مشروطه: بوطیقای شعر مشروطه و اشرف‌الدین حسینی». *رودکی*. شمارهٔ ۱۸: ۸۹.

ارجمندی، عبدالمجید (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی ادب پایداری در شعر شاعران معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان سال‌های ۱۳۵۷تا ۱۳۸۲. رسالهٔ دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.

اعتصامی، پروین (۱۳۹۰) *دیوان اشعار: مثنویات، تمثیلات و مقطعات*. تهران: اقبال.

اکبری بیرق، حسن و مریم اسدیان (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی آوا». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*. دورهٔ دوم. شمارهٔ ۱، پیاپی ۳: ۴۳-۶۸.

ایرج میرزا (۱۳۵۶) *دیوان*. به‌اهتمام محمدجعفر محجوب. چاپ چهارم. تهران: اندیشه.

ـــــــ (۱۳۸۰) *دیوان*. تهران: قطره.

بهار، محمدتقی (۱۳۸۰) *دیوان*. به‌اهتمام چهرزاد بهار. ۲ جلد. چاپ دوم. تهران: توس.

بهار، محمدتقی (۱۳۳۴) *روزنامهٔ نوبهار*. شمارهٔ ۴۲. مشهد.

بیرانوندی، محمد (۱۳۹۳) «آموزش نوین محتوای مشترک شعر تجدد ایران، افغانستان و تاجیکستان در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی». *ادبیات تطبیقی*. سال ششم. شمارهٔ ۱۰: ۳۴- ۶۵.

تورسون‌زاده، میرزا (۱۹۹۰) *گلچین اشعار*. مسکو: پروگوس.

ستودیان، مهدی (۱۳۸۹) «شعر مشروطه و شعر عوام». *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*. شمارهٔ ۹: ۳-۲۴.

شریف‌زاده مود، میترا (۱۳۹۴) «تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر تاجیکستان (شعر دارا نجات به‌عنوان نمایندهٔ گروه)». *ادبیات تطبیقی*. سال هفتم. شمارهٔ ۱۳: ۱۱-۳۳.

شعردوست، علی‌اصغر (۱۳۷۶) «تأثیر شعر ایران بر شعر معاصر تاجیکستان». تهران: *ایران‌شناخت*. شمارهٔ ۴: ۳۰-۵۲.

ـــــــ (۱۳۹۱) *تاریخ ادبیات نوین تاجیکستان*. تهران: علمی و فرهنگی.

شکوروف، محمدجان (۱۹۷۰) *سخن در لیریکه و مضمون حیات آن و مسئله‌های ادبیات تاجیک*. دوشنبه: عرفان.

شکوری، محمدجان (۱۳۸۲) «اینجا بخارا». *نامهٔ پارسی*. سال هشتم: ۱۶۱-۱۶۹.

شیرعلی، لایق (۱۳۷۵) *گلچین اشعار*. تهران: الهدی.

صدرضیاء، شریف‌جان‌مخدوم (۱۳۸۰) *تذکار اشعار*. به‌اهتمام سحاب‌الدین صدیق. تهران: سروش.

عشقی، میرزاده (۱۳۷۳) *کلیات میرزادهٔ عشقی*. به‌کوشش سیدهادی حائری. تهران: دانش امروز.

عینی، صدرالدین (۱۹۸۷) *تاریخ انقلاب بخارا*. دوشنبه: ادارهٔ نشریات خارجی.

ـــــــ (۱۳۸۵) *نمونهٔ ادبیات تاجیک*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

فرخی یزدی (۱۳۶۹) *دیوان*. به‌اهتمام حسین مکی. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) *دیوان*. نسخه ت. ماکان و ژ. مول زیرنظر برتلس. تهران: سوره.

قزوینی، عارف (۱۳۸۷) *دیوان*. تدوین محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت. تهران: نگاه.

قناعت، مؤمن (۱۳۷۳) *برگزیدهٔ اشعار*. تهران: الهدی.

کرکوتی، الناز (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی نوآوری در شعر معاصر تاجیکستان و ایران». در: کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن. گلستان-گرگان. دانشگاه آزاد اسلامی. اردیبهشت.

لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۵۷) *دیوان*. تهران: جواهری.

ـــــــ (۱۹۴۶) *دیوان آثار منتخب*. مسکو: ادارهٔ نشریات خارجی.

محمدی، برات (۱۳۸۹) «بررسی جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسی اجتماعی در آیینهٔ شعر مشروطه». *پژوهشنامهٔ فرهنگ و ادب*. سال ششم. شمارهٔ ۱۰: ۱۴۴-۱۷۲.

مجیب، مهرداد و ذبیح‌الله بهروز (۱۳۹۰) *زنگوله زنان گذشت باران: سیری در شعر معاصر تاجیکستان*. تهران: آرمان‌شهر.

ندیمی، سوزان (۱۳۶۹) «پروین اعتصامی شاعری شیرین سخن و مبارزی خاموش». ترجمهٔ عطاءاله ندیمی. تهران: صبح.

نسیم‌شمال، سیداشرف‌الدین (۱۳۷۰) *دیوان*. تهران: اندیشه.

نشریهٔ *آیینه* (۱۹۱۳) شمارهٔ ۳.

نشریهٔ *آیینه* (۱۹۱۴) شمارهٔ ۲.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۴) *چون سبوی تشنه*. تهران: جامی.

Bchka, Ежи (1372) адабиёти тоҷик форсӣ, тарҷумон Маҳмуд Ebadian ва Hejran хок, Теҳрон, фарҳангӣ ва илмӣ.

Шеъру қаноатмандӣ, мӯъмин, дар (1373) интихоб, Теҳрон, Ал-Hoda Интишорот.

Шералӣ, салоҳиятдор (1372) шеъру anthology, Теҳрон, Ал-Hoda Интишорот.

Шералӣ, салоҳиятдор, соли (1997) на бонги бонги, Душанбе, нашрияҳои адабӣ.

Lahooti, A., (1357) Суди, Теҳрон, Jewel нашр

Shakoori Бухорӣ, Mhmdjan (1376) сирпиёз адабӣ ва марҳилаи ҳадафи Садр он, Академияи, № 11.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]

[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]

Вазифа, Садр, (1362), Заметки, ҷилди II, таҳрир аз ҷониби Saidi-Теҳрон, огоҳ.
Турсунзода-зода, Mirza (1390) «Садои Осиё интихобшуда шеърҳо», ки бо интихоб ва вироиши духтур Mirza Molla Аҳмад ва Муҳаммад Азизӣ, Теҳрон, имрӯз чоп карда мешавад.
Шералӣ, салоҳиятдор, соли (1988) офтоб, борон, Душанбе, нашрияҳои адабӣ.
Sadri Tarzan, Б. (1375) консепсияи давлатдорӣ дар шеърҳо A. мушаххаси Lahooti, Эрон, (2).
Шералӣ, салоҳиятдор (1379) Rakhsh Soul: Anthology шеърҳои таҳрири Mirza Shkvrzadh, Теҳрон, котиби матбуотии ин забон ва адабиёти форсӣ.
Lahooti, A. (1358) divans, ки бо кӯшишу ғайрат ва ҷорӣ Аҳмад Bashiri, Теҳрон, Амир Кабир Интишорот, нашри аввал.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1396.25.83.14.7]
[DOI: 10.29252/jpll.25.83.293]